

الگوهای اقتصادی پیامبر اسلام (ص) در مدینه و تأثیر آن بر اتحاد

مسلمانان و همبستگی اسلامی

محمدرضا قاسمی پاکدامن

چکیده:

پیامبر اسلام (ص) با به کارگیری الگوهای اقتصادی مبتنی بر عدالت اجتماعی و خودکفایی، به مقابله با سلطه‌گران اقتصادی از جمله قریش و قبایل یهودی پرداخت. سیاست‌های اقتصادی ایشان شامل نظارت بر بازار، مبارزه با فساد اقتصادی و ترویج تولید داخلی از طریق کشاورزی، تجارت و اشتغال بود. از اقدامات مؤثر ایشان می‌توان به تأسیس نهادهای مالی اسلامی مانند زکات و خمس اشاره کرد که علاوه بر توزیع عادلانه منابع، به کاهش شکاف‌های اقتصادی و تقویت اتحاد مسلمانان کمک کردند. این سیاست‌ها نه تنها استقلال اقتصادی مسلمانان را تأمین نمود، بلکه زمینه‌ساز همبستگی اجتماعی و تقویت روابط دینی در میان آنان شد. افزون بر این، الگوهای اقتصادی پیامبر اسلام (ص) به‌طور غیرمستقیم بر تقریب مذاهب اسلامی تأثیر گذاشته و فضای همگرایی میان مسلمانان را فراهم ساخت. این مقاله به بررسی تأثیر سیاست‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص) در مدینه و نقشی که در تقویت اتحاد مسلمانان و همبستگی اسلامی ایفا کرد، می‌پردازد.

کلمات کلیدی: الگوهای اقتصادی پیامبر (ص)، سلطه‌گران اقتصادی، اتحاد

مسلمانان، سیاست‌های اقتصادی مدینه، اقتصاد اسلامی.

مقدمه

در تاریخ اسلام، یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های حکومت پیامبر اسلام (ص) مدیریت هوشمندانه و مبتنی بر اصول اقتصاد اسلامی است. در شرایطی که جامعه مدینه با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی پیچیده‌ای روبه‌رو بود، پیامبر اسلام (ص) با اتخاذ الگوهای اقتصادی نوآورانه، نه تنها به حل مشکلات اقتصادی جامعه، بلکه به ایجاد اتحاد مسلمانان و تقویت همبستگی اسلامی دست یافت. سیاست‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص) در مواجهه با سلطه‌گران اقتصادی نظیر قریش و قبایل یهودی به‌ویژه پس از ازدیاد ناگهانی جمعیت در مدینه با مهاجرت مسلمین از مکه، به عنوان مبنای تغییرات عمیق در ساختار اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی شناخته می‌شود.

با تشکیل حکومت اسلامی و یکپارچگی جامعه و تامین امنیت و تشویق لازم به کشاورزی و دامپروری و صنعت و حتی بازرگانی ظرفیت‌های تولید به مراتب بالا رفت و بهره‌برداری از زمینهای موجود به شکل بهتری انجام شد؛ با پیروزی در غزه بدر نیز موقعیت سیاسی حکومت اسلام مستحکم شد که این مورد نظام اقتصادی را نیز مستحکم کرد (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۲۴-۱۲۶).

الگوهای اقتصادی پیامبر اسلام (ص) شامل اصول کلیدی مانند عدالت اجتماعی، نظارت بر بازار، مبارزه با فساد اقتصادی، و تقویت تولید داخلی و تشویق به تولید و تجارت بوده است. ایشان با اقدامات مؤثری همچون تشکیل بازار مدینه و سپس جلوگیری از احتکار، ربا و کنترل قیمت‌ها، توانستند نظام اقتصادی پایدار و متعادل را در جامعه اسلامی ایجاد کنند. این اقدامات به تقویت اقتصاد اسلامی و استقلال مالی مسلمانان انجامید؛ و به‌طور مستقیم در راستای کاهش شکاف‌های اقتصادی و تقویت انسجام اجتماعی عمل کرد.

از ویژگی‌های برجسته سیاست‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص)، می‌توان به تشویق انصار به تقسیم منزل خود با مهاجرین، تأسیس نهادهای مالی همچون زکات و خمس بود اشاره کرد که به توزیع عادلانه منابع و کاهش فقر کمک کرد؛ که در کنار تقویت تولید داخلی و ترویج خودکفایی، عامل مهمی در تقویت اتحاد مسلمانان شدند و به‌طور غیرمستقیم همبستگی اسلامی را تسهیل کردند. با این رویکرد، پیامبر اسلام (ص) توانستند نه تنها استقلال اقتصادی را برای مسلمانان فراهم آورند، بلکه به‌طور اساسی پایه‌های وحدت دینی و همگرایی مسلمانان را در برابر چالش‌ها و تهدیدات خارجی تقویت نمایند.

هدف این مقاله، بررسی عمیق و تحلیل سیاست‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص) و تأثیر آن‌ها بر اتحاد مسلمانان و همبستگی اسلامی با روش کتابخانه‌ای است. در این تحقیق، به این سوالات پاسخ داده می‌شود که چگونه پیامبر اسلام (ص) از طریق سیاست‌های اقتصادی خود موجب ایجاد فضایی برای همکاری و همبستگی مسلمانان داشت. علاوه بر این، بررسی تأثیرات اقتصادی پیامبر اسلام (ص) بر اتحاد مسلمانان در دوران کنونی، به ویژه در مواجهه با سلطه‌گران اقتصادی معاصر، از دیگر اهداف این تحقیق است که بی‌شک الگوبرداری از این شیوه‌ها موجب تقریب مذاهب اسلامی در طول تاریخ است.

پژوهش‌های متعددی در زمینه اقتصاد صدر اسلام انجام شده که از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب "اقتصادنا" اشاره کرد که به بررسی وضعیت اقتصادی جزیره‌العرب قبل و بعد از اسلام پرداخته شده است. سید کاظم صدر در کتاب اقتصاد صدر اسلام، تحقیق ارزشمندی در مورد مسائل اقتصادی صدر اسلام مطرح کرده است. ضرورت پژوهش حاضر آنست که در جهان امروز، به ویژه در

جوامع اسلامی که با بحران‌های اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو هستند، بیش از پیش بهره‌گیری از کنش‌های نبی مکرم اسلام (ص) احساس می‌شود. بازخوانی سیاست‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص) و کاربرد آن در شرایط امروز می‌تواند راه‌حل‌های مؤثری برای تقویت اتحاد مسلمانان و مقابله با سلطه‌گران اقتصادی در دنیای معاصر ارائه دهد.

۲. مبانی نظری:

۲.۱. الگوهای اقتصادی پیامبر اسلام (ص):

الگوهای اقتصادی پیامبر اسلام (ص) با هدف ایجاد عدالت اجتماعی، خودکفایی اقتصادی و مبارزه با فساد، براساس اصول بنیادی اقتصاد اسلامی شکل گرفت. این اصول نه تنها در آن دوران بلکه در بستر تاریخ اسلام همچنان به‌عنوان معیارهای کارآمد اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

عدالت اجتماعی، به‌عنوان پایه‌ای‌ترین اصل اقتصادی در اسلام، به توزیع عادلانه منابع، به حداقل رساندن فقر و کاهش شکاف‌های طبقاتی میان مردم اشاره دارد. پیامبر اسلام (ص) با تدوین سیاست‌های اقتصادی مبتنی بر اصول اخلاقی اسلامی، توانست فرایند توزیع عادلانه منابع را در جامعه اسلامی به پیش برد و از انباشت ثروت در دست قلیلی خاص جلوگیری کند.

خودکفایی اقتصادی نیز به‌عنوان یکی دیگر از ارکان اساسی الگوهای اقتصادی پیامبر اسلام (ص) مطرح است. از منظر پیامبر اسلام (ص)، استقلال اقتصادی برای جامعه اسلامی امری ضروری بود. با تأکید بر تقویت تولید داخلی، کشاورزی و تجارت، پیامبر (ص) در پی کاهش وابستگی مسلمانان به منابع خارجی و

سلطه‌گران اقتصادی بود. این اصل موجب شد که مسلمانان در عرصه‌های مختلف اقتصادی قادر به تأمین نیازهای خود شوند و از هرگونه سلطه اقتصادی بیگانگان رهایی یابند.

در نهایت، مبارزه با فساد اقتصادی به‌عنوان سومین اصل در الگوهای اقتصادی پیامبر اسلام (ص) مطرح می‌شود. فساد اقتصادی، به ویژه در قالب ربا، احتکار و سوءاستفاده از منابع عمومی، یکی از اصلی‌ترین موانع پیشرفت اقتصادی در جوامع اسلامی و غیر اسلامی بود. پیامبر اسلام (ص) با تصویب قوانین شرعی و نظارت بر رفتار اقتصادی مسلمانان، توانست ساختاری سالم و عادلانه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی برقرار کند.

۲.۲. سلطه‌گران اقتصادی در زمان پیامبر اسلام (ص):

در دوران جاهلیت، قبیله‌های مختلف، به‌ویژه قریش و قبایل یهودی، کنترل اقتصادی سرزمین حجاز، به‌ویژه مکه و مدینه را در دست داشتند. قریش، به‌عنوان قدرت اقتصادی غالب در مکه، با سلطه‌گری بر تجارت، منابع مالی و شرایط اقتصادی، موجبات نابرابری اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌آورد. بزرگترین و پر رونق‌ترین بازار مدینه "بنی قینقاع" نام داشت که موجب تقویت و انحصار قدرت اقتصادی آنان بود. (غلامعلی، بی‌تا: ۶۱). به‌علاوه قبایل یهودی در مدینه نیز با استفاده از روابط اقتصادی و بانکی خود، بر بخشی از بازار و معاملات تجاری مسلط بودند. شهر مکه نیز به‌عنوان مرکز تجارت عرب شمرده می‌شد و به علت قرارگرفتن در مسیر راه‌های تجاری و نیز سفر زائران خانه کعبه و دادوستد در آنجا، اهمیت این شهر در تجارت و دادوستد دوچندان شده بود (شمس‌الدین، 1375: 449 و 501/ آیتی، 1378: 60). در مکه سلطه اقتصادی قریش موجب

شد که بسیاری از مردم به شدت به این قبیله وابسته شوند و فقر و تنگدستی به یک معضل عمومی تبدیل شود.

۳.۲. عدالت اجتماعی در اقتصاد اسلامی:

عدالت اجتماعی از ارکان کلیدی در اقتصاد اسلام است. در نظر پیامبر اسلام (ص)، عدالت اقتصادی نه تنها در توزیع منابع بلکه در تأمین نیازهای اساسی همه افراد جامعه مهم است. از آنجا که در جوامع پیش از اسلام، فاصله‌های طبقاتی گسترده‌ای وجود داشت، پیامبر (ص) با تأسیس سیستم‌هایی مانند زکات، خمس و وقف، سعی در ایجاد یک ساختار اقتصادی داشت که در آن هر فرد مسلمان، از حقوق و نیازهای اولیه برخوردار باشد.

زکات به عنوان یکی از ارکان مالی اسلام، تنها یک فریضه مذهبی نیست، بلکه ابزاری برای ایجاد عدالت اجتماعی و کاهش شکاف‌های اقتصادی است. با جمع‌آوری زکات از مسلمانان توانمند و توزیع آن بین فقرا، نیازمندان و مستضعفین، این سیستم اقتصادی به دنبال ایجاد توازن و هماهنگی اجتماعی بود.

۴.۲. اتحاد مسلمانان از منظر اقتصادی:

اتحاد مسلمانان، از منظر پیامبر اسلام (ص)، تنها محدود به توافقات سیاسی و اجتماعی و عهد اخوت نبود، بلکه در عرصه اقتصادی نیز به‌طور فعالانه مورد توجه قرار گرفت. پیامبر اسلام (ص) با پایریزی یک نظام اقتصادی مشترک، مسلمانان را به همکاری و مشارکت در امور اقتصادی تشویق می‌کرد. از طریق تقویت خودکفایی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی برابر برای مسلمانان، توانستند در میان مسلمانان همبستگی اقتصادی ایجاد کنند.

این همبستگی اقتصادی علاوه بر اینکه باعث تقویت وحدت مسلمانان شد، زمینه‌ای برای مقابله با سلطه‌گران اقتصادی فراهم آورد. در واقع، پیامبر اسلام (ص) با استفاده از اصول اقتصادی که بر پایه عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی قرار داشت، نه تنها به رشد اقتصادی مسلمانان کمک کرد، بلکه به تقویت وحدت و همبستگی در جامعه اسلامی پرداخت.

از سویی وابستگی مسلمانان به بازار یهودیان در ابتدای هجرت، مشکلاتی برای آنان ایجاد نمود و مانعی جدی در استقلال معاملاتی مسلمانان می‌شد. در راستای این اهداف، ایشان دو مسئولیت خطیر را برعهده داشتند؛ اول مقابله با سنت‌های اقتصادی گذشته که همزمان با ورود ایشان به مدینه همچنان توسط مردم اعمال می‌شد و مسئولیت دیگر ارائه آموزه‌های اقتصاد اسلامی و تلاش جهت اجرایی کردن آنها در جامعه بود. (تقوی، ۱۳۹۶) به همین علت بود که برخی از مسلمانان به‌ویژه مهاجرانی که سرمایه خود را از دست داده بودند، دوباره صاحب مال و ثروت شوند.

گفته شده عبدالرحمن بن عوف که سابقه تجارت در دوره مکه نیز داشت، در بازار مدینه به خرید و فروش پرداخت و ثروتمند شد تا آنجا که هفتصد بار شتر که حامل گندم، آرد و غذا بود، نزد وی می‌آمد. (ذهبی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۸۱) بنابراین شیوه‌های اقتصادی نبی مکرم (ص) منجر اتحاد مسلمین با یکدیگر و در ادامه خفیف شدن فاصله طبقاتی میان فقیر و غنی شد.

۳. وضعیت اقتصادی اجتماعی در عصر پیامبر اسلام (ص):

۱.۳. وضعیت اقتصادی در زمان جاهلیت:

در مکه، قریش به‌عنوان قبیله‌ای که بیشترین سلطه تجاری را در دست داشت، انحصار تجارت کاروان‌های مکه و یمن را در اختیار داشت. این سلطه اقتصادی قریش باعث ایجاد نابرابری‌های شدید و تمرکز ثروت در دست اقلیتی از مردم شد. در این شرایط، فقرا و مستضعفین به‌ویژه افراد مهاجر و برخی از قبیله‌های ضعیف‌تر در مکه، به‌طور کامل از منابع اقتصادی محروم بودند.

در مدینه، قبایل مختلف یهودی همچون بنی قریظه، بنی نضیر و بنی قینقاع نیز بر اقتصاد شهر تسلط داشتند. یهودیان در تجارت و کشاورزی موفق بودند و از منابع طبیعی و بازارهای تجاری بهره‌برداری می‌کردند؛ اما همانند مکه، در مدینه نیز شکاف‌های اقتصادی وجود داشت و بخش زیادی از جمعیت به‌ویژه مسلمانان تازه مسلمان، با فقر و مشکلات معیشتی روبه‌رو بودند.

همچنین به دلیل پراکندگی قبایل در جزیره العرب و عدم امکان عرضه محصولات در نقاط مختلف ضرورت داشت بازارهای فصلی در طول سال تشکیل شود که قانونهای مشترکی داشت و همه طوایف جاهلی نیز به آن احترام می‌گذاشتند که از جمله آن می‌توان به بازار دومة الجندل در ربیع الاول، بازار مسقر در جمادی الثانی، بازار صحرار در رجب، بازار عدن در رمضان، بازار عکاظ در ذی‌القعدة، بازار ایام حج در مکه، بازار ذی‌المجاز، شحر، رابیه و ریا اشاره کرد (حسینی، همان: ۳۸-۴۳). که در این وضعیت، قبیله‌های غالب نه‌تنها بر منابع اقتصادی تسلط داشتند، بلکه در سیاست و تصمیم‌گیری‌های اجتماعی نیز نقش برجسته‌ای ایفا می‌کردند. این شرایط اقتصادی نابرابر و وابسته به اقلیتی از مردم باعث بروز مشکلات بسیاری برای مسلمانان اولیه شد.

به جز این، قبل از اسلام معاملات اقتصادی متعددی در این بازارها صورت می‌گرفت که از جمله آنها می‌توان به مخاضره (رک زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۴: 354)، مزابنه (رک ابن‌انس، بی‌تا: 397)، ملامسه، منابذه (رک همان: 421)، عریه (رک کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: 276)، معامله سنگریزه و غرر (رک نیشابوری، ۱۴۰۷، ج ۳: 333)، بیع حبل الحبله (رک بخاری، ۱۴۲۷، ج ۱: 283) و ... اشاره کرد؛ که این نوع معاملات که به اجحاف در حق عده‌ای و ازدیاد سرمایه عده‌ای دیگر، در بازارها انجام می‌شد که در زمان پیامبر این معاملات مردود و ممنوع اعلام شد.

۲.۳. چالش‌های اقتصادی مسلمانان اولیه

پس از هجرت پیامبر اسلام (ص) از مکه به مدینه، مسلمانان با چالش‌های اقتصادی فراوانی مواجه شدند. گروه‌های مهاجرین (مکی‌ها) که از مکه به مدینه آمده بودند، عمدتاً از منابع اقتصادی کمی برخوردار بودند و بیشتر در وضعیت فقر قرار داشتند. چون غالب این مهاجرت‌ها به صورت مخفیانه صورت می‌گرفت توان حمل بار و لوازم معیشت برایشان وجود نداشت و طبعاً تکفل و تأمین زندگی آنان بر دوش رسول خدا قرار می‌گرفت (حسینی، همان: ۱۰۸). در مقابل، مسلمانان انصار (مدینه‌ای‌ها) به‌عنوان گروه‌هایی که از مسلمانان مکه حمایت می‌کردند، با منابع مالی بهتر و زمین‌های کشاورزی بیشتر مواجه بودند.

افزوده شدن ناگهانی جمعیت در یک جامعه موجب می‌شود که تقاضای کل بالا رود و با فرض ثابت بودن تولید موجب تورم شود. علاوه بر این به طور طبیعی ازدیاد ناگهانی جمعیت موجب پدید آمدن مشکل بیکاری است (همان، ۱۰۹). پس از دیگر چالش‌های اساسی مسلمانان اولیه، کمبود منابع مالی برای تأمین نیازهای اولیه بود.

با آنکه مدینه از نظر جغرافیایی و استراتژیکی محل مهم و مناسبی بر سر راه بازرگانی جنوب به شمال عربستان محسوب می‌شد و نیز موقعیت مناسب کشاورزی بود؛ اما اقوام یهود حیات اقتصادی، کشاورزی و تجاری این شهر در اختیار سه قبیله یهود، بنی قریظه، بنی نضیر، بنی قینقاع قرار داشت که با بزرگان قریش نیز رابطه تجاری و اقتصادی داشتند (زیدان، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۹؛ رک فیاض، ۱۳۶۹: ۷۷-۷۸)؛ این موضوع نیز موجب مشقت بر مسلمین شد.

تهدید دیگری که درباره تجارت کالاها اقتصاد مدینه را تهدید می‌کرد، محاصره و تحریم تجاری قریش بود. در اینباره شواهد تاریخی نشان می‌دهد، قریش اقدام‌هایی را در جهت پدید ساختن ناامنی و ممانعت از فعالیت‌های بازرگانی مسلمانان انجام داده بود و با پیمان بستن با قبیله‌های بدوی از تعامل‌های تجاری و بازرگانی مسلمانان تا حد ممکن ممانعت می‌کرد (نیازمند، ۱۳۹۰، ج ۲: ۱۰۱ - ۱۰۲). حکومت نوپدید مدینه که با توجه به سابقه دشمنی‌ها و تهدیدهای قریش از این انحصار تجاری اطلاع داشت و وجود این انحصار را تهدیدی بالقوه برای امنیت اقتصادی حکومت اسلامی می‌شمرد، اقدام‌هایی جهت شکستن این انحصار و خودکفایی داخلی جهت جلوگیری از آسیب‌پذیری جامعه اسلامی از این پدیده انجام داد (آیتی، همان: ۲۳).

۳.۳. برنامه‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص) و تأثیر آن بر وحدت

مسلمانان

اولین اقدام پیامبر با ورود به شهر مدینه که در اکثر منابع تاریخی نیز به آن اشاره شده است پیمان اخوت و برادری میان انصار و مهاجر بود (سیره ابن هشام ۱۳۷۵: ۱۰۸). در سایه‌ی پیمان اخوت، پیامبر از انصار خواست تا مهاجران را

موقتاً در خانه‌های انصار اسکان دهند (ابن‌هشام، همان: 339) و هر کدام یک خانواده از مهاجرین را در زندگی خود شریک گرداند تا بدین گونه مشکل تامین آنان به شکل عادلانه و مردمی بر سر انجام توزیع شود و از حالت بلا تکلیفی خارج شوند و انس و الفت بین مهاجران و انصار ایجاد شود. از نتایج آن ایجاد روح مسئولیت در آحاد مردم، تضمین زندگی مهاجران و از عوامل وحدت آفرین و زنده کننده روح ایثار و گذشت و شکستن بینش ناسیونالیستی و قومی بود (حسینی، همان: ۱۲۳). همچنین پدید ساختن عقد اخوت، مردمی کردن اقتصاد و مشارکت مهاجران در اموال و دارایی‌های انصار را به دنبال داشت (واقعی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۱۰۳/ ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ج ۲: ۱۴۱).

هجرت پیامبر به همراه یارانش نقش مهمی در تشکیل حکومت اسلامی داشت. آن حضرت در مدینه موفق به ایجاد امتی یکپارچه و تشکیل امت واحده و مبداء تاریخ اسلام گردید. (هوشیار و همکاران، ۱۳۹۲).

هر تمدنی برای رشد و بقا نیاز به منابع مالی دارد. از ویژگی‌های مهم حکومت نوبنیاد اسلامی شیوه مدیریت مالی و اقتصادی ایشان بوده است. حضور قطعی و جدی ایشان در اداره امور مالی و اقتصادی نشان از اهمیتی خاص و برجسته‌ای است که در جامعه دینی و مدنی دارد. از جمله برنامه‌های حساب شده که تمام امور جامعه نوبنیاد اسلامی در آن ساماندهی و به معرض اجرا گذاشته می‌شد، تاسیس مسجد بود که به عنوان کانون اصلی و مرکز اداری، مالی، سیاسی و اجتماعی، قضایی، فرهنگی و نظامی جامعه اسلامی محسوب می‌گردید. ایشان در کنار مسجد اتاق‌های متعددی نیز بنا نمود که هر کدام کاربرد مخصوص به خود داشت مکانی برای سلاح، محلی برای چهارپایان و اسباب آنها، محفظه بیت المال،

مهمانخانه، زندان، محل استراحت بیماران، و خوابگاه اهل صفه (کتانی، ۱۳۸۴: ۲۶۳) بود.

اهتمام آن حضرت به ضرورت ساماندهی به امر معاش مسلمانان برون رفت وضعیت اقتصادی آنها از سیطره غیر مسلمانان می‌تواند الگوی مناسبی برای مدیریت اقتصاد اسلامی باشد. (هوشیار و همکاران، همان) پیامبر اسلام (ص) با تشویق به تعاون و مشارکت جمعی، زمینه را برای تقویت روابط اجتماعی میان مسلمانان فراهم ساخت؛ و با اعمال سیاست‌های اقتصادی که به بهبود وضعیت اقتصادی مسلمانان کمک کرد، توانست یکپارچگی و همبستگی اجتماعی را در میان مسلمانان به‌طور چشمگیری تقویت کند. از طریق حمایت از تولید داخلی و بازارهای اسلامی، ایشان توانست مسلمانان را از وابستگی به سلطه‌گران اقتصادی رهایی بخشد.

۴.۳. نقش تجارت و کشاورزی در اقتصاد مدینه

یکی از سیاست‌های اقتصادی برجسته پیامبر اسلام (ص) در مدینه، توسعه تجارت و کشاورزی به‌عنوان ارکان اصلی خودکفایی اقتصادی مسلمانان بود. مدینه، که در مسیر راه‌های تجاری قرار داشت، به‌عنوان نقطه‌ای مهم برای مبادلات تجاری به شمار می‌رفت. پیامبر اسلام (ص) به تقویت تجارت داخلی مسلمانان توجه ویژه‌ای داشت و با نظارت بر بازارها، سعی می‌کرد تا از هرگونه فساد اقتصادی و احتکار جلوگیری کند. این امر موجب شد که مسلمانان در مقابل سلطه‌گران اقتصادی و قدرت‌های خارجی بتوانند استقلال بیشتری داشته باشند.

در زمینه کشاورزی، پیامبر اسلام (ص) با پدید ساختن احیاء اراضی تشویق به فعالیت کشاورزی نمود (ابن حجر، ۱۳۲۸، ج ۲: ۴۵۸ و ۲۲۴)؛ و با ایجاد نظام

تقسیم اراضی و تشویق به کشاورزی در اطراف مدینه، توانست به مسلمانان کمک کند تا از منابع طبیعی خود بهره‌برداری کنند و نیازهای غذایی خود را تأمین نمایند. همچنین، تأسیس بازارهای اسلامی و حمایت از تولیدات داخلی، باعث ایجاد فضای رقابتی سالم و تولید بیشتر در جامعه شد.

از دیگر کارهای نبی مکرم اسلام (ص) تأمین سرمایه اولیه ورود مهاجران به کشاورزی و بازرگانی از راه درآمدهای دولت اسلامی و کمک‌های مردمی بود (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج 4: 92/ واقدی، همان: 327)؛ به علاوه تشویق مهاجران به ورود به فعالیتهای بازرگانی داخلی، خارجی و خدمات (صدر، 1374: 141 - 142) موجب تقویت فعالیتهای بازرگانی و تجارت داخلی، تأسیس بازار داخلی مستقل در محل راهبردی ورود بازرگانان و تاجران به مدینه شده بود که با گسترش فعالیتهای کشاورزی و تجاری، با تنظیم مقررات، توسعه رقابت و فعالیتهای تجاری و بازرگانی تسهیل شد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج 1: 15/ واقدی، همان: 138 - 140).

۴. سیاست‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص) در مقابله با سلطه‌گران اقتصادی

۱.۴. ایجاد نظام اقتصادی مستقل و مقابله با سلطه‌گران اقتصادی

پیامبر اسلام (ص) در ابتدای ورود به مدینه با یهودیان، مشرکان و سایر گروه‌ها پیمان بست. که از آن جواز اصل بستن پیمان با غیر مسلمان و مراوده و داد و ستد با آنان و نیز لزوم وفای به این پیمانها برداشت می‌شود. نمونه دیگر این پیمان‌ها پیمان با مسیحیان نحران است (رک بلاذری، ۱۴۱۲: ۷۶).

موقعیت جغرافیایی - اقتصادی شهر یثرب سبب ایجاد بازارهای متعددی شد که بعضی از آنها مختص قوم، قبیله و یا خاندان‌های خاصی بود و براساس مقررات آنها اداره می‌شد. از جمله آنها، بازار حباشه مختص بنی‌قینقاع بود که در آن خرید و فروش برده صورت می‌گرفت. علاوه بر این بازار، بازارهای دیگری در ناحیه یثرب، جسر در محله بنی‌قینقاع، صفاصف در عصبه و زباله که به آن مزاحم می‌گفتند، نیز وجود داشتند. به گفته مورخان، این بازارها تا سال‌های آغازین ظهور اسلام برپا بودند و گویا پس از تأسیس بازار مدینه در دوره اسلامی، در آن ادغام شدند (نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱: 305 - 304).

از آنجایی که رسالت پیامبر اکرم با هدف برقراری عدالت و قسط صورت گرفته بود، لذا ایشان پس از تشکیل حاکمیت در مدینه و نوع برخوردهای یهودیان با مسلمانان در بازار، تصمیم به تأسیس بازار مدینه و یا به عبارتی بازار مسلمانان گرفتند. ایشان برای تعیین مکان بازار در ابتدا موقعیت‌سنجی به عمل آورد و متناسب با عوامل خارجی موجود که موضع‌گیری منفی یهودیان بود، مکان آن را مشخص نمود. موقعیت بازار مسلمانان تهدیدی جدی برای بازار یهودیان بود؛ در چنین شرایطی بود که کعب بن اشرف طناب‌های بازار مسلمانان را پاره کرد. پس این حادثه، پیامبر در اقدامی به موقع به تغییر مکان بازار و تأسیس بازار جدید مبادرت نمود (مرجانی، ۲۰۰۲، ج ۱: 609). ایشان در ابتدا به بازار بنی‌قینقاع رفت و پس از آن بازار مدینه را مورد سنجش قرار داد و در این مکان بود که پای بر زمین کوبید و فرمود: این بازار شماست؛ مباد در اینجا سخت بگیرند یا خراج گرفته شود (نمیری، همان: 304).

پیامبر برای شکستن انحصار، بازاری در مدینه تاسیس نمود. از آنجایی که این شهر در مسیر تجاری یمن و شام قرار داشتند، این بازار محل رفت و آمد تجار، بازرگانان و مبادله کالاهای وارداتی و صادراتی شد، اما اداره آنها منوط به قوانین و مسئولان مناسبی بود تا از آشفتگی و بی‌نظمی در بازار جلوگیری کنند (ابن‌حبیب بغدادی، بی‌تا: 264)؛ بنابراین حضرت (ص) مقررات جدید وضع کرد و گرفتن مالیات از کسبه این بازار را متوقف ساخت (رک طبرانی، بی‌تا، ج ۱۹: ۲۶۴) تا موجب رونق بازار مسلمانان باشد و از تسلط اقتصادی یهودیان بر مدینه جلوگیری کند.

بازار مدینه در زمان پیامبر رشد و رونق بسیاری پیدا کرد و این رشد اقتصادی تاثیر زیادی بر توسعه شهر مدینه داشت از همه مهمتر استقلال مالی و عدم وابستگی به قوم یهود بود. با اعمال این سیاست‌ها توانستند یک نظام اقتصادی مستقل و عادلانه برای مسلمانان ایجاد کنند. ایشان در شرایطی که جامعه اسلامی در حال رشد و تثبیت بود، به‌طور مؤثر از نظارت‌های اقتصادی و تقنین قوانین بهره بردند تا از سلطه‌گری‌های اقتصادی و اجتماعی جلوگیری کنند. از جمله این اقدامات می‌توان به اصلاحات اقتصادی در زمینه مالیات، توزیع منابع و اعطای حقوق برابر اشاره کرد. این سیستم اقتصادی، به مسلمانان کمک کرد تا از تسلط سلطه‌گران اقتصادی که در پی استثمار طبقات پایین جامعه بودند، رهایی یابند و در عین حال، احساس اتحاد و همبستگی بیشتری در میان خود داشته باشند.

با رشد بازار مدینه، بنی قینقاع ریشه‌کن شد و با هجرت آنان به منطقه اذراعات بنیه اقتصادی حکومت اسلامی تقویت شد چرا که کلیه اموال و منازل و مزارع

بنی قینقاع برای مسلمانان باقی ماند. همچنین در ایجاد اشتغال و تامین سرمایه لازم نقش بسزایی داشت (حسینی، همان: ۱۳۵).

۲.۴. نظارت بر بازار و مقابله با احتکار

پیامبر اسلام (ص) با دقت تمام بر وضعیت اقتصادی جامعه نظارت می کردند و از همان ابتدا، تلاش کردند تا از نظارت آزادانه و کنترل نشده بازار جلوگیری کنند. در جامعه پیش از اسلام، سلطه گران اقتصادی مانند قریش، با احتکار کالاها و گران فروشی، عملاً قدرت اقتصادی خود را گسترش می دادند و مردم را تحت فشار قرار می دادند. پیامبر اسلام (ص) برای مقابله با این فساد، قوانین مشخصی را در بازار قرار دادند تا حقوق اقتصادی مردم رعایت شود.

پیامبر اکرم در بازار مدینه برخلاف بازار مکه که عاملی بر آن گماشته بود، متولی تعیین نکردند، بلکه شخصا به همراه چند تن از صحابه همچون سعید بن عاص و عمر بن خطاب به نظارت بر بازار پرداختند. (ابن ادریس، ۱۳۸۶: ۲۱۷). بازار مدینه اولین بازار دولتی بود که مستقیماً از ناحیه حاکمیت اداره و کنترل می شد. نظارت پیامبر فراتر از بازار مدینه بود و حتی پیش از رسیدن اجناس تجار به بازار مدینه، رهگیری میشد. بدین صورت که در زمان پیامبر اعظم گروهی از مردم پیش از آمدن کاروان تجارتي به بیرون شهر می رفتند تا جنس را ارزانتر و بهتر خریداری کنند. همین کار سبب می شد کالای مورد نیاز مردم به بازارهای شهر وارد نشود، زیرا آنان آن کالا را با قیمت بیشتری به فروش می رسانند، از این رو پیامبر شخصی را مامور کرد تا از فروختن جنس پیش از رسیدن به شهر خودداری و کاروان تجارتي را به محل ویژه داخل شهر راهنمایی کند (حسینی، همان: ۱۱۴).

مهمترین مواردی که توسط پیامبر تحت نظارت و کنترل قرار گرفت، عبارت بودند از: کیفیت کالا، کنترل قیمت‌ها، مقابله با احتکار کالا، مبارزه با دلال بازی، تعیین اوزان و پیمانه‌ها و ... ، که تلاش گردید با حفظ قوانین و مقررات اسلامی صورت گیرد. چند مورد از آن قوانین شامل:

- منع فروش محصولات نارس، مگر اینکه کالا رسیده باشد.

- فروش انواع صیفی جات تا زمانی که رسیده و خوب نبودند، ممنوع بود (قزوینی، بی تا، ج 2: 746).

این نظارت سبب کنترل بر نحوه عرضه کالا و خرید و فروش آن می شد؛ روایتی آمده است، برخی کسبه از خرماهای مخلوط استفاده می کردند. آنان برای این کار دو صاع خرما مخلوط را در مقابل یک صاع خرمای خوب داد و ستد می کردند. پیامبر این نوع معامله را درست ندانست. (صدر، همان: 179).

از جمله موارد موثر در بازار، احتکار و دلالی بود که از عوامل افزایش قیمت‌ها محسوب می شد. گفته شده حکیم بن حزام از جمله کسانی بود که هرگاه گندم و خواربار به مدینه وارد می شد، یکجا همه را می خرید و انبار می کرد تا در صورت گران شدن، آن را به فروش برساند. (سمهودی، ۲۰۰۶، ج 4: 361 - 358) راهکار عمومی پیامبر اسلام برای مبارزه با احتکار این بود که فرمان داد اجناس محتکران به داخل بازار آورده شود و در برابر دید عموم قرار گیرد. (حرعاملی، همان، ج ۱۷: ۴۲۹، ح ۲۲۹۱۷).

از امام علی ع نقل شده است، رسول خدا بر محتکران گذر کرد و دستور داد آنچه را احتکار کرده‌اند به میان بازارها بیاورند آنجا که زیر نظر عموم باشد. به رسول

خدا عرض شد چه خوب بود بر آنها نرخی تعیین می‌کردید رسول خدا خشمگین شد بطوری که اثر خشم در چهره مبارکش ظاهر گردید. و فرمود من بر آنان نرخ گذاری کنم؟ نرخ بر عهده خداست هرگاه بخواهد آن را بالا می‌برد و هرگاه بخواهد پایین می‌آورد (حر عاملی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ب ۳۰، ح ۱) یا نقل است، در زمان آن حضرت طعام (گندم و حبوبات) نایاب شد. مسلمانان خدمت پیامبر آمدند و گفتند فقط فلان شخص طعام دارد و در بازار نایاب است، پیامبر فرمان داد همه آن اجناس فروخته شود و پس از حمد و ثنای خدا فرمود: فلانی، مسلمانان می‌گویند طعام نایاب شده است، مگر مقداری که نزد توست. طعامت را بیرون بیاور و هرگونه می‌خواهی بفروش و حبس نکن (حر عاملی، همان، ج ۱۷: ۴۲۹، ح ۲۲۹۱۷).

در روایت دیگری آمده است که رسول خدا گفت: «من احتکر علی المسلمین طعاما ضرب الله بالجذام و الافلاس» این برخوردها نشان دهنده مطرود بودن عمل احتکار در جامعه عصر نبوی است. (قزوینی، همان، ج ۲: ۷۲۸).

همانگونه که در این روایت‌ها آمده پیامبر خدا در زمینه مبارزه با احتکار فقط فرمان فروختن کالا را می‌داد و تعیین قیمت برعهده فروشنده بود. به پیامبر عرض شد، قیمت‌ها افزایش و کاهش می‌یابد، ای کاش برای کالاها قیمت تعیین میکردی. رسول خدا فرمود: حاضر نیستم خدا را با بدعتی ملاقات کنم که کسی در آن از من پیشی نگرفته است. بندگان خدا را آزاد بگذارید تا بعضی از بعض دیگر استفاده کنند. (حر عاملی، ج ۱۷: ب ۳۰، ح ۲). احادیث فوق دو نکته را تاکید دارد که اول آنکه مال احتکار کنندگان در انظار عموم باشد و مال محترک در بازار

فروخته شود؛ و نیز نرخ گذاری تابعی از عرضه و تقاضاست و به شکل طبیعی و به دور از هرگونه تبلیغات یا صحنه سازی باشد.

۳.۴. مبارزه با ربا و فساد اقتصادی:

از بزرگ‌ترین چالش‌های اقتصادی دوران جاهلیت، ربا بود. رباخواری و بهره‌برداری اقتصادی از فقرای جامعه، به دست افراد ثروتمند، عامل اصلی استثمار و شکاف طبقاتی در جامعه جاهلی بود. مردم مدینه در کار سکه و صرافی نیز بودند و نه تنها با آن به تجارت می‌پرداختند، بلکه ربا نیز انجام می‌دادند. پیامبر اسلام (ص) در پاسخ به این ظلم اقتصادی، ربا را به‌طور قطعی و قاطعانه حرام اعلام کردند و آن را از اساس در جامعه اسلامی نفی نمودند. قرآن کریم نیز در این خصوص به وضوح بیان می‌کند «وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (سوره بقره، آیه 275) ۱. ایشان فروش طلا در مقابل طلا، گندم در مقابل گندم، خرما در مقابل خرما و جو در مقابل جو را ربا دانستند. (نیشابوری، همان، ج 3: 341). پیامبر اسلام (ص) با این تصمیم، نظام مالی مبتنی بر عدالت و انصاف را بنیانگذاری کردند که در آن هیچکس نمی‌توانست از موقعیت اقتصادی خود برای بهره‌برداری از دیگران استفاده کند. با حذف سیستم رباخواری، پیامبر اسلام (ص) نه تنها اقتصاد اسلامی را از فساد و غارتگری پاکسازی کردند، بلکه زمینه‌ساز عدالت اجتماعی و استقلال اقتصادی شدند. این سیاست‌ها در نتیجه موجب تقویت آزادی اقتصادی مسلمانان از دست سلطه‌گران مالی گردید.

1 الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ.

فضاله بن عبید گوید سهم من در آن روز قلاده زرینی شد که به هشت دینار فروختم و چون این مطلب را به رسول خدا گفتم، فرمود چون در آن قلاده طلا و فلزهای دیگر به کار رفته بود، آن معامله را برهم بزن. دو نفر که نامشان سعد بود شمش طلائی را با طلا خریده بودند که وزن یکی از دیگری بیشتر بود، پیامبر فرمود ربا خورده‌اید و این معامله را بر هم بزنید! (ابن‌انس، همان، ج 2: 396/ واقدی، همان: 688). در روایت دیگری از رسول خدا آمده است که دینار را با دینار و درهم را با درهم معامله کنید (همان: 401).

پیامبر اکرم به جهت رعایت حقوق خریدار، به تعیین اوزان پرداختند، وزن را برای اهل مکه و مکیال را برای اهل مدینه قرار داد. (ابی‌داوود، ۱۴۲۴، ج 3: 210). و فروش محصولات براساس اوزان تعیین شده پرداخت. ایشان فروش هرگونه مواد خوراکی بدون وزن کردن را منع نمودند؛ خداوند در سوره مطففین ۲ دستور به وزن و میزان نموده است.

فساد دیگر موجود در بازار فریب است؛ که افت اقتصاد اسلامی می‌باشد. پیامبر اکرم فریب کاران بازاری را به یهود تشبیه کرده است. (ترمذی، ۱۴۳۷، ج ۲: ۳۸۹، ح ۱۳۲۹). به چند نمونه از احادیث مربوط نکوهش فریب در بازار توسط پیامبر اکرم اشاره می‌شود:

روزی پیامبر از بازار مدینه عبود می‌کرد. جنسی در مغازه دید و فرمود: طعام (گندم) نیکویی داری، قیمت آن چند است؟ در همین حال خدای عز و جل به او وحی کرد: زیر آن جنس را نیز ببین. پیامبر جنس را زیر و رو کرد و جنس

2 وَبِئْسَ لِلْمُطَفِّينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ.

پستی بیرون آورد و فرمود: تو در حق مسلمانان خیانت و غش (فریب) می‌کنی.
اصول کافی، ج ۵، ص ۱۶۱، ح ۷.

در یک مورد پیامبر از کنار مردی می‌گذشت که مواد خوراکی می‌فروخت،
فروشنده چیز تقلبی را وارد آن کرد و پیامبر | فرمود کسی که در کار خود
تقلب کند از ما نیست. (ابن اثیر، ۱۴۲۶: ج ۳، ۲۶۵).

پیامبر از بازار می‌گذشت به گندم نیکویی برخورد آن مشاهده کرد، دست در زیر
آن کردند فهمیدند که خیس است. پرسید که چرا رویش خشک و زیرش تر
است؟ فروشنده گفت: باران بر آن باریده است پیامبر فرمود چرا آن قسمتِ تر را
نشان مشتری نمی‌دهی، من غشنا فلیس منّا؛ کسی که با ما و مسلمانان نیرنگ
کند از ما نیست (ابن حیون، بی‌تا: ۲۸).

همچنین نقل است روزی رسول خدا فروشنده‌ای را دید که جنس خوب و بد را به
هم آمیخته بود. از وی پرسید: چرا این کار را کردی؟ گفت: می‌خواستم خرج شود.
پیامبر فرمود هرکدام را جداگانه بفروش در دین ما فریب نیست (هندی، ج ۴:
۱۵۹، ح ۹۹۷۴).

در کنار این موارد پیامبر اکرم در رشوه نیز بسیار حساس بودند، در موردی پیامبر
خطاب به هدیه گرفتن مامور مالیات از طایفه بنی سلیم، قبول هدیه را بسیار
نکوهش کردند (رک صحیح مسلم، ج ۵: ۱۱). قرآن کریم رشوه را سحت تعبیر
می‌کند و می‌فرماید اکالون السحت. مال حرام بسیار می‌خورند (مائده ۶۲). منظور
از آن چیزی را می‌خورند که موجب از بین رفتن دینشان می‌شود.

در مورد قمار که به اشکال مختلفی در زمان جاهلی رواج داشت؛ در اسلام بشدت تحریم شد و هرگونه در آمدی از آن را غیر رسمی و غیر محترم شمرده شد (حسینی، همان: ۱۸۴).

۴.۴. تقویت تولید داخلی و خودکفایی اقتصادی:

یکی از اصول اساسی پیامبر اسلام (ص) در زمینه اقتصادی، تقویت خودکفایی مسلمانان و کاهش وابستگی آن‌ها به منابع خارجی بود. در جامعه اولیه اسلامی، مسلمانان به شدت وابسته به قبایل یهودی و قریش بودند. پیامبر اسلام (ص) با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی خاص، از وابستگی به منابع بیرونی خودداری نمودند. از مهمترین این اقدامات، توسعه کشاورزی و صنعت در مدینه بود. پیامبر اسلام (ص) به مسلمانان دستور دادند تا اراضی بایر را آباد کرده و به فعالیت‌های کشاورزی بپردازند. در این میان، ایشان برای توسعه تولید داخلی و تأمین منابع مورد نیاز جامعه را تشویق به ایجاد یک اقتصاد پایدار و غیر وابسته کردند.

در این راستا، پیامبر اسلام (ص) به فرهنگ سازی کار و تولید و فراهم ساختن زمینه اشتغال از راه ارزش گذاری کار و فعالیت تولیدی و تقبیح بیکاری (حرعاملی، همان، ج ۱۷: ۶۶/ کلینی، همان، ج ۵: ۸۴/ صدر، همان: ۱۴۱ - ۱۴۲) پرداختند.

تشویق به کسب و کار و تولید داخلی همه جانبه بود و شواهد تاریخی نیز نشان می‌دهد که برخی از زنان به تولید صنایع دستی و خرید و فروش عطر می‌پرداختند. (ابن‌ادریس، ۱۳۸۶: ۲۱۸) گفته شده که زینب، همسر رسول

اکرم (ص) پوست را دباغی می‌کرد و درآمد حاصل از آن را در راه خدا صدقه می‌داد. (فراهانی فرد، ۱۳۸۵). البته در ایه ۳۲ سوره نساء ۳ بدان اشاره شده است.

۵.۴. زکات و خمس؛ نظام مالی اسلامی برای توزیع عادلانه منابع:

منابع مالی اسلامی عبارت بودند از: غنایم جنگی، خمس، خراج، زکات. از اساسی‌ترین بخشهای سیاست‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص)، زکات و خمس بود. ایشان با تأسیس این دو فریضه اقتصادی، به‌طور مؤثر به مقابله با فقر و شکاف‌های اقتصادی در جامعه پرداختند.

در حکومت اسلامی راه‌های درآمد در جهت فرد و جامعه مقرر گردیده در عین حال از تمرکز ثروت و استثمار پیشگیری شد که از جمله مکانیزم‌های آن تعدیل و کنترل ثروت، مالیات‌های اسلامی است که عمدتاً بر درآمد وضع شده از قبیل خمس، زکات فطره، زکات، جزیه، کفارات بود (حسینی، همان: ۱۸۵). زکات، که براساس درآمد مسلمانان از ثروت‌های مختلف اخذ می‌شد، به عنوان ابزاری مهم برای توزیع عادلانه ثروت در جامعه عمل کرد. همچنین، خمس، که سهمی از درآمدهای مسلمانان بود، برای تقویت توان دفاعی و اقتصادی جامعه اسلامی و کمک به نیازمندان تخصیص می‌یافت.

در اسلام نخستین کسی که بیت المال را تأسیس کرد، پیامبر بود و به صورت ابتدایی در خانه رسول اکرم دست خود ایشان اداره می‌شد (محمدی اشتهاردی، بی‌تا) البته برخی منابع دیگر معتقد است، هسته اولیه نهاد بیت المال در زمان ابوبکر گذاشته شد (خوله شاکر، ۱۳۷۹: ۱۰). همچنین قابل ذکر است؛ پیامبر

3 وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ
وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا.

برای اداره درآمدها، اداره مالی کوچکی تاسیس نمود که اعضای آن این اداره را کارگزاران و عمال زکات و نگهبانان غنائم و کتاب و همه کسانی که وجود آنها برای اداره مالی لازم بود تشکیل می‌دادند. اداره مالی و دارایی پیامبر قدم به قدم بر حسب رشد و تنوع درآمدهای اسلامی و مصارف آن رشد و گسترش می‌یافت (کتانی، ۱۳۸۴: مخلوط / هوشیار و همکاران، همان).

در کل دو فریضه مالی خمس و زکات نه تنها عدالت اقتصادی را در جامعه برقرار می‌کردند، بلکه به ترویج همبستگی اجتماعی کمک می‌کردند. در واقع، زکات و خمس به عنوان ابزاری برای یاری رساندن به فقرا و مستمندان عمل کرده و در عین حال، اقتصاد جامعه اسلامی را از انباشت ثروت در دست اقلیت‌ها محافظت می‌کردند.

۵. تأثیر سیاست‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص) بر اتحاد مسلمانان:

در سیره اقتصادی پیامبر اسلام (ص)، سیاست‌هایی به کار گرفته شدند که علاوه بر برقراری عدالت اقتصادی، زمینه‌ساز تحکیم اتحاد مسلمانان و ایجاد همبستگی اجتماعی گردید. پیامبر اسلام (ص) در جامعه‌ای که در آن شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی عمیق وجود داشت، توانستند با طراحی ساختار اقتصادی مبتنی بر اصول عدالت و شفافیت، به تقویت یکپارچگی اجتماعی بپردازند.

۱.۵. استقلال اقتصادی و قدرت مسلمانان

اولین تأثیر قابل توجه سیاست‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص) بر اتحاد مسلمانان، استقلال اقتصادی بود. در جامعه‌ای که مسلمانان به شدت از لحاظ اقتصادی وابسته به قریش و دیگر سلطه‌گران بودند، پیامبر (ص) با ترویج

خودکفایی اقتصادی و اعمال محدودیت‌هایی برای احتکار و ربا، توانستند قدرت اقتصادی را در دست مسلمانان قرار دهند. ایشان با تأکید بر توسعه تجارت اسلامی، کشاورزی و صنعت داخلی، زمینه‌ساز ایجاد یک اقتصاد مستقل شدند که مسلمانان به‌ویژه در مدینه را از وابستگی به نیروهای خارجی و سلطه‌گران اقتصادی آزاد ساخت.

این استقلال اقتصادی، همزمان با رشد هویت اسلامی، باعث شد که مسلمانان برای نخستین بار از لحاظ اقتصادی به خودکفایی برسند و در برابر سلطه‌گران ایستادگی کنند. اتحاد مسلمانان در این مرحله نه تنها به‌صورت معنوی، بلکه در عرصه اقتصادی نیز تقویت گردید و همه مسلمانان از منابع و فرصت‌های اقتصادی به‌طور برابر برخوردار شدند.

۲.۵. عدالت اقتصادی و تقویت انسجام با پشتیبانی از فقرا و یتیمان

نظام زکات به‌ویژه در تقویت اتحاد مسلمانان مؤثر بود. استفاده از منابع مالی دولت اسلامی حل دشواری‌های معیشتی مهاجران با درآمدهای دولت اسلامی (خمس، زکات، فیه و غنائم جنگی) (واقدی، همان: 19 و 81) از یک سو، به‌طور مستقیم به تأمین نیازهای فقرای جامعه را کمک می‌کرد و از سوی دیگر، سبب می‌شد که مسلمانان با احساس مسئولیت نسبت به همدیگر، در فرآیند توزیع منابع شرکت کنند. از این رو، مفهوم عدالت اقتصادی که از طریق زکات و خمس پیاده شد، نه تنها موجب کاهش فاصله طبقاتی در جامعه اسلامی شد بلکه به تقویت احساس برادری و همبستگی اجتماعی نیز انجامید.

یکی دیگر از ابعاد مهم سیاست‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص) که موجب تقویت اتحاد مسلمانان گردید، کمک به فقرا و یتیمان بود. پیامبر (ص) همواره بر لزوم

حمایت از اقشار ضعیف جامعه تأکید داشتند و در این راستا، از سیستم زکات به طور مؤثر استفاده می کردند. همچنین، تقسیم منابع و استفاده از صندوق عمومی (بیت المال) برای کمک به یتیمان و محرومین، باعث می شد که مسلمانان با احساس مسئولیت اجتماعی بیشتری در کنار یکدیگر قرار گیرند و در بحران‌ها به یکدیگر یاری رسانند.

این سیاست‌ها علاوه بر تقویت پیوندهای اجتماعی، نشان‌دهنده یک جامعه هم پیمان و همدل بود که در آن هیچ مسلمانی احساس جدایی و بی‌توجهی نمی کرد. در نتیجه، پیامبر اسلام (ص) از طریق تأکید بر مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی، اتحاد مسلمانان را در برابر تهدیدات داخلی و خارجی تقویت کردند.

۳.۵. مشارکت اقتصادی و همبستگی اجتماعی:

سیاست‌های پیامبر اسلام (ص) به گونه‌ای بودند که باعث شدند مسلمانان به مشارکت اقتصادی و همکاری بیشتر بپردازند. با توجه به اصول اسلامی که بر تعاون و مساعدت تأکید دارد، مسلمانان در زمینه‌های اقتصادی همچون کشاورزی، تجارت و صنعت، به یکدیگر کمک می کردند.

از جمله این اقدامات می توان به تشویق مسلمانان به تجارت اسلامی، ایجاد شبکه‌های تجاری و استفاده از اصول عادلانه در معاملات اشاره کرد. این اقدامات در کنار توسعه تجارت با غیرمسلمان با پدید ساختن امنیت برای تاجران خارجی (ابن اثیر، ۱۳۸۴، ج ۲: ۲۸۳)، تشویق تاجران مسلمان و واردکننده کالاهای اساسی و راهبردی با اعطای امتیازهای گوناگون به آنها (ابن حجر، همان، ج ۱: ۳۴۷) موجب شد تا مسلمانان در کنار هم به یک اقتصاد پایدار و مقاوم دست یابند که تأثیر مستقیمی در تقویت اتحاد اسلامی داشت.

۴.۵. تقویت اتحاد در برابر تهدیدات خارجی

یکی دیگر از نتایج مهم سیاست‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص)، تقویت اتحاد مسلمانان در برابر تهدیدات خارجی بود. تهدیدهای اقتصادی عصر نبوی را می‌توان به تهدیدهای اقتصادی مکی و مدنی تقسیم کرد. در عصر مکی که مرحله شالوده ریزی و بنیان ریزی نظام اسلامی بوده، مسلمانان با دو نوع تهدید اقتصادی روبه‌رو بوده‌اند: اول تهدید اقتصادی هدفمند؛ دوم تهدید اقتصادی فراگیر (سیدحسین زاده یزدی و شریف زاده، ۱۳۹۵). تهدید اقتصادی هدفمند به اشخاص خاص ناظر بوده و در آن گزارش‌هایی از گرسنگی و تشنگی دادن به مسلمانان، ممانعت از تجارت و نیز عدم پرداخت بدهی‌های آنان، برای فشار آوردن و تسلیم کردن مشاهده می‌شود (ابن‌هشام، ۱۳۷۵: 339 و 342). در تهدید اقتصادی فراگیر، مشرکان تصمیم گرفتند برای جلوگیری از گسترش دعوت پیامبر اکرم و نیز تسلیم کردن بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب در برابر خواسته‌های خویش، آنان را مورد تحریم اقتصادی - اجتماعی قرار دهند.

با توجه به فشارهای اقتصادی و سیاسی قریش و دیگر دشمنان، پیامبر (ص) توانستند از طریق ایجاد منابع مالی مستقل و در کنار آن یورش به کاروان‌های قریش که خلاف اخلاق و عدالت اسلامی نبود (رک، حسینی: ۱۳۶) در ازدیاد غنائم مسلمین موثر و مسلمانان را از لحاظ اقتصادی مستحکم کنند. استقلال اقتصادی به مسلمانان این امکان را داد که در مقابل حملات نظامی و اقتصادی دشمنان، یکپارچه و مقاوم عمل کنند؛ پس از جنگ‌ها نیز با توجه به قوانین حقوقی - اقتصادی اسلام، زمین‌هایی که به وسیله جنگ گرفته می‌شود و

اصطلاحاً اراضی "مفتوحه عنوه" نامیده می‌شود (حسینی، همان: ۱۵۹)، تعلق به تمامی مسلمین دارد و مالکیت خصوصی ندارد.

۶. نتیجه گیری:

با توجه به نتایج حاصل از بررسی الگوهای اقتصادی پیامبر اسلام (ص) در مدینه، می‌توان گفت که این سیاست‌ها نه تنها به بهبود وضعیت اقتصادی مسلمانان در آن زمان منجر شد، بلکه نقش عمده‌ای در تقویت همبستگی اجتماعی و دینی آنان ایفا کرد. پیامبر اسلام (ص) با اتخاذ رویکردهایی چون نظارت دقیق بر بازارها، مبارزه با فساد اقتصادی، و ترویج اصول عدالت اجتماعی، توانستند پایه‌گذار اقتصادی پایدار و مستقل در جامعه اسلامی شوند. تأسیس نهادهای اقتصادی همچون زکات و خمس، که به توزیع عادلانه منابع مالی کمک می‌کرد، یکی از مهم‌ترین اقدامات ایشان در این زمینه بود. این نهادها علاوه بر تأمین نیازهای اساسی اقشار فقیر و نیازمند، به کاهش شکاف‌های طبقاتی و تقویت وحدت در میان مسلمانان کمک کرد.

سیاست‌های اقتصادی پیامبر اسلام (ص) به‌ویژه در ایجاد خودکفایی اقتصادی از طریق تقویت کشاورزی، تجارت و تولید داخلی، موجب کاهش وابستگی مسلمانان به سلطه‌گران اقتصادی مانند قریش و قبایل یهودی گردید. این امر نه تنها استقلال اقتصادی را برای مسلمانان فراهم کرد، بلکه زمینه‌ساز قدرت اقتصادی و سیاسی آنان در برابر تهدیدات داخلی و خارجی شد. در نتیجه، مسلمانان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی خود، توانستند مقاومت بیشتری در برابر فشارهای اقتصادی خارجی داشته باشند و روابط خود را در سطح داخلی و خارجی تقویت کنند.

از دیگر جنبه‌های مهم این سیاست‌ها مبارزه با فساد اقتصادی بود. پیامبر اسلام (ص) با ممنوعیت ربا، جلوگیری از احتکار و مبارزه با سوءاستفاده‌های اقتصادی، نظام اقتصادی اسلامی را از فساد رهایی بخشید. این اقدامات به‌ویژه از طریق نظارت مستقیم بر بازار و تنظیم قوانین اقتصادی صورت گرفت که نه تنها به عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی انجامید، بلکه زمینه‌ساز ایجاد یک سیستم مالی سالم و پایدار شد. در این راستا، سیاست‌های پیامبر اسلام (ص) در تنظیم بازار و نظارت بر فعالیت‌های تجاری، الگویی برای تحقق عدالت در سطح کل جامعه ارائه داد که بر کاهش فقر و نابرابری‌ها تأثیر شگرفی داشت.

همچنین، پیامبر اسلام (ص) با ایجاد فرصت‌های اقتصادی برای مسلمانان، به‌ویژه مهاجران و انصار، و تشویق به مشارکت اقتصادی جمعی، روحیه تعاون و همکاری را در میان مسلمانان تقویت کردند. این امر به تقویت همبستگی اجتماعی و کاهش تنش‌های اجتماعی در جامعه اسلامی انجامید. همچنین، تقسیم عادلانه منابع و ایجاد روابط اقتصادی متعادل میان مسلمانان، باعث شد که احساس مسئولیت اجتماعی و ایثار در آنان تقویت شود و وحدت دینی و اجتماعی در جامعه اسلامی تحکیم یابد.

به‌طور کلی، الگوهای اقتصادی پیامبر اسلام (ص) در مدینه نه‌تنها به تحقق استقلال اقتصادی مسلمانان و بهبود شرایط معیشتی آنان کمک کرد، بلکه با ترویج اصول عدالت، خودکفایی و مشارکت جمعی، به ایجاد نظامی پایدار و مبتنی بر همبستگی اجتماعی و اقتصادی انجامید. که از یک سو به تقویت وحدت مسلمانان در برابر تهدیدات داخلی و خارجی کمک کرد و از سویی به‌عنوان الگویی برای جوامع اسلامی در عصر حاضر به شمار می‌آید. در دنیای معاصر، با

توجه به چالش‌های اقتصادی موجود در بسیاری از کشورهای مسلمان، بازخوانی این الگوها میتواند به حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی کمک کند. اصولی چون نظارت بر بازار، جلوگیری از فساد اقتصادی و تأسیس نهادهای مالی اسلامی، می‌تواند به ایجاد اقتصاد مقاومتی و شفاف در جوامع مسلمان منجر شود. در نهایت، الگوهای اقتصادی پیامبر اسلام (ص) می‌توانند به عنوان یک مدل کاربردی و موثر برای تقویت همبستگی اسلامی و تحقق اهداف اقتصادی در دنیای امروز به کار گرفته شوند.

منابع

1. قرآن کریم.

1. آیتی، ابراهیم (۱۳۷۸)، تاریخ پیامبر اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

2. ابن اثیر، عزالدین علی بن اثیر (۱۳۷۱)، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.

3. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۴۲۶ه.ق ۱۳۸۴ه.ش)، اسدالغابه فی معرفه الاصحابه (جلد ۳)، بیروت: دار الفکر - لبنان.

4. ابن ادريس، عبدالله عبدالعزيز (۱۳۸۶)، جامعه مدینه در عصر نبوی، ترجمه شهلا بختیاری، تهران: سمت.

5. ابن انس (بی تا)، الموطأ، بیروت: دار الکتب العلمیه - لبنان.

6. ابن حبیب بغدادی (بی تا)، المحبر، بیروت: دار الافاق جدیدہ - لبنان.

7. ابن حجر (۱۳۲۸ه.ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه (جلد دوم)، قاهره: سعاده - مصر.

8. ابن حیون، نعمان بن محمد (بی تا)، دعائم الاسلام، ترجمه حسین عرب باغی، تهران: چاپخانه آفتاب.

9. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (1375)، زندگانی محمد پیامبر اسلام، ترجمه سیدهاشم رسولی، چاپ پنجم، تهران: کتابخانه.

10. ابی داوود (۱۴۲۴ه.ق)، سنن ابی داوود، بیروت: دار الفکر - لبنان.
11. بخاری، محمد بن اسماعیل (1427ه.ق)، صحیح بخاری (جلد ۱)،
الریاض: مکتبه الرشد - عربستان سعودی.
12. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ه.ق)، انساب الاشراف، بیروت: دار
الفکر - لبنان.
13. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۲ه.ق)، فتوح البلدان، بیروت: دار الکتب
العلمیة - لبنان.
14. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۳۷ه.ق)، سنن الترمذی و هو الجامع الکبیر،
قاهره: دارالتأسیل - مصر.
15. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ه.ق)، وسائل الشیعه (جلد ۴ و ۱۲ و
۱۷،
16. حسینی، سید مجتبی (۱۳۸۶)، تاریخچه سیاسی اقتصادی صدر اسلام،
تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
17. ذهبی، محمد بن احمد (۱۳۷۳ه.ش)، سیر اعلام النبلاء (جلد 1)، بیروت:
مؤسسه الرساله - لبنان.
18. زبیدی، سید مرتضی محمد بن محمد (۱۴۱۴ه.ق)، تاج العروس من
جواهر القاموس (جلد ۴)، بیروت: دار الفکر - لبنان.
19. زیدان، جرجی (۱۳۸۹)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام،
تهران: انتشارات امیرکبیر.

20. سمهودی، نورالدین علی بن احمد (۲۰۰۶م)، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی (جلد ۴)، بیروت: دار الکتب العلمیه - لبنان.
21. شاکر، خوله (۱۳۷۹)، بیت المال تحولات و پیدایش آن، تهران: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
22. صدر، کاظم (۱۳۷۴)، اقتصاد صدر اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
23. صدر، محمدباقر (۱۳۷۵ه.ش)، اقتصادنا، بیروت: دار التعارف للمطبوعات - لبنان.
24. طبرانی، سلیمان بن احمد (بی تا)، المعجم الکبیر (جلد ۱۹)، قاهره: مکتبه ابن تیمیّه - مصر.
25. غلامعلی، احمد (بی تا)، شیوه‌های نظارتی امر به معروف و نهی از منکر در گفتار سیره پیامبر اعظم، تهران: نشر مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
26. فیاض، علی‌اکبر (۱۳۶۹)، تاریخ اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
27. قزوینی، محمد بن یزید (بی تا)، سنن ابن ماجه، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - لبنان.
28. کتانی، عبدالحی (۱۳۸۴)، نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، قم: نشر زیتون.
29. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ه.ش، ۱۴۰۷ق)، اصول الکافی (جلد ۵)، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

30. محمدی اشتهاردی، محمد (بی‌تا)، بیت المال در اسلام، قم: انتشارات ناصر ف.
31. مرجانی، عبدالله بن عبدالملک (۲۰۰۲م)، بهجه النفوس و الاسرار فی تاریخ دار هجره النبى المختار، بیروت: دار الغرب الاسلامی - لبنان.
32. مسلم بن حجاج (1419ه.ق)، صحیح مسلم، بیروت: دار ابن حزم - لبنان.
33. نمیری، ابن‌شبه (۱۴۱۰ه.ق)، تاریخ المدينه المنوره، قم: دار الفکر.
34. نیازمند، سیدرضا (۱۳۹۰)، شرحی بر قرآن به ترتیب نزول آیات، قرآن مکی (جلد 1)، چاپ اول، اصفهان: بنی‌هاشم.
35. نیشابوری، ابی‌الحسین مسلم بن الحجاج القشیری (1407ه.ق)، صحیح مسلم (جلد ۳)، بیروت: مؤسسه عزالدین للطباعة و النشر - لبنان.
36. واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۹)، المغازی (تاریخ جنگ‌های پیامبر)، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، چاپ دوم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
37. هندی، علاء‌الدین علی المتقی بن حسام‌الدین (۱۴۰۵ه.ق)، کنز العمال (جلد ۴)، چاد پنجم، بیروت: مؤسسه الرساله - لبنان.
38. تقوی، هدیه (۱۳۹۶)، شیوه‌های مدیریتی پیامبر (ص) در همگرا کردن بازار مدینه با آموزه‌های اقتصادی اسلام، مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، 27، ۲۷-۸.

39. سیدحسین زاده یزدی، سعید، و شریف زاده، محمدجواد (۱۳۹۵)، سیره پیامبر اکرم (ص) در مقابله با تهدیدهای اقتصادی، اقتصاد اسلامی، 62، ۳۰-۵.
40. فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۵)، آموزه های اقتصادی پیامبر اعظم (ص)، اقتصاد اسلامی، ۲۱، ۹-۵.
41. هوشیار، فریناز، و شهیدانی، شهاب، و ترکی، زهرا (۱۳۹۲)، سیاست مالی و اداری پیامبر اسلام (ص) در مدینه و زمینه های شکل گیری بیت المال، نشریه پژوهش های علوم انسانی، سال چهارم، ۱۷، ۹۶-۸۳.

